

فرمانی از فرامین دوره مغول

در ضمن ملاحظه خطوط و مراسلات قدیم پیش یکی از دوستان فرمانی به مهر سلطان ابوسعید بهادرخان (۷۱۶ - ۷۳۶) فرزند اولجا یقو سلطان محمد خدا بنده (۷۰۳ - ۷۱۶) بنظر نگارنده رسید که از حیث قدمت زمان و انشاء خالی از اهمیت نبود و بیشتر از ششصد سال از تاریخ آن میگذرد صاحب این فرمان آقای صمد امامی برادر آقای دکتر سید احمد امامی است که یکی از جوانان دانشمند و با ذوق تبریز میباشد و ذوق سرشاری به آثار باستانی مخصوصاً نوشتجات و خطوط قدیمه دارند و مقدار کثیری ازین قبیل نوشتجات جمع آوری نموده و در اختیار دارند از روی لطفی که باینجانب دارند فرمان مزبور را جهت مطالعه و تحقیق در اطراف آن چندی در اختیار من گذاشتند.

این فرمان بشکل طومار است دو متر طول و شانزده سانتیم عرض دارد روی کاغذ (خانبالیغ) (۱) بخط نسخ شبیه به ثلث نوشته شده است. در سه جای این فرمان یعنی در قسمت اول و دوم که وسط فرمان است و قسمت سوم آخر فرمان (آلتما) یعنی مهر قرمز سلطان ابوسعید بهادرخان ثبت شده است در اطراف تما کلمات شهادتین و در چهار گوشه آن نام خلفاء اربعه باخط کوفی بظور وضوح خوانده میشود موضوع فرمان حکمی است که بنابتقاضای جمعی از اهالی اردبیل و مریدان شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی ۶۵۰ - ۷۳۵ جد سلاطین صفویه راجع بحفظ و حراست املاک موقوفه مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی که از طرف بعضی از امراء و حکام مغول در آن زمان مورد تجاوز و دست اندازی میشد در این فرمان حکم اکید صادر شده است که هیچکس از جماعت مغولان و سلحشوران تاجیک حق مداخله و تجاوز در آن املاک ندارند و حتی المقدور در حفظ و حراست آن املاک بکوشند و از مضمون آن فرمان چنین

(۱) - خانبالیغ - نام شهر است در چین نزدیک مغولستان که کاغذ آنجا مشهور است

مستفاد میشود که مالیات و بدهی دیوانی آن املاک نیز موقوف المصابیه بوده است .
اینک عکس و گراور فرمان در سه قسمت در صفحات مجله بنظر قارئین محترم مبرسد
از عبارات و مجلات آن فرمان قسمت هائی که خوانا است عیناً در زیر نقل
و جاهائی که خوانا نیست نقطه گذاری میشود .

بسم الله الرحمن الرحيم

العزة لله تعالى الحكيم لله تعالى

سلطان محمد (۱) يرثيغيندين

شيخ حسن (۲) حاجي طغاي بن سوناي (۳)

زكريا سوسيني (۴)

الحمد لله على نعمه امراء تومان و هزاره و صده

و باسقاق (۵)

وقت على ذلك

و حناغ و قضاة و نواب و متصرفان و بتكچي (۶)

و عموم اهالي

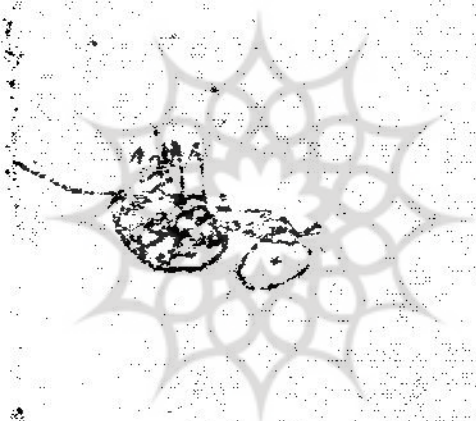
(۱) این سلطان محمد هشت ماه بعد از وفات سلطان ابوسعید بهادرخان در تبریز به جانشینی سلطان ابوسعید منسوب گردید (۲) اینجمله بشکل طغری نوشته شده است و شیخ حسن بن آق بوقا معروف بشیخ حسن بزرگ پدر سلطان اویس ایلکانی است که مؤسس سلسله ایلکانی یا آل چلایر است و پس از عزل شاه جهان تیمور خود را مستقل کرد و از سنه ۷۴۰ تا ۷۵۷ در عراق عرب سلطنت کرده است (۳) نام حاجی طغای بن سونای نیز بطور وضوح خوانده میشود که این دو امیر در چنوس سلطان محمد به جانشینی ابوسعید جدیدیت و مساعدت زیادی کرده اند (۴) نامز کربا همان خواجه محمدز کربا است که وزیر سلطان محمد بوده است (۵) باسقاق در زبان مغولی بمعنی داروغه است (۶) بتکچی کلمه مغولی است نویسنده قبوض را گویند .

المؤلف

بكتابه

المؤلف

طابع



مكتبة

المؤلف

المؤلف



کتابخانه عمومی و کتب خطی

روزگار و روزگار

کتابخانه عمومی و کتب خطی

کتابخانه عمومی و کتب خطی

کتابخانه عمومی و کتب خطی





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

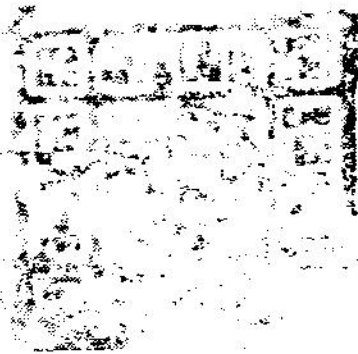
عنوان کتاب: تاریخ و تمدن ایران

تأليف: دکتر محمد علی...



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ انتشار: ...



و متوطنان اردبیل و توابع آن بدانند کی مریدان شیخ الامام
 سعید صفی الدین قدس الله سره العزیز بعد از تقدیم وظائف
 دعاء دوات روز افزون نمودند کی در آن ولایت املاکی
 بموجب احکام مدون معدوده و در آن باب مجدد
 التماس حکمی کردند بدان سبب این مکتوب در قلم آمد
 تا بر موجب احکام سابق مقرر دارند و هیچگونه تغییر و
 تبدیل بدان راه ندهند جماعت مغول و تاجیک بنا واجب
 در املاک ایشان مدخل نشده و تصرف نمایند و تعرضی
 نرسانند علیحده می رود بالا جواب بگویند.
 از اینجاست آخر فرمان طوری پیچیده و به هم نوشته شده که خواننده
 نمی شود و مطالب درست مفهوم نیست ناچار بجای جملات
 ناخوانا نقطه گذاشتیم و حواله
 و صولی بدان مواضع تعلق ن سازند و چیزی
 نخواهند و نیز در محافظت مواضع و رعیت
 کوشیده از حیف و هیل و محترز باشند از ادای
 آن عاجز باشند مطالبتی نمایند سنه سبعمائه
 التاسع من شعبان المعظم

کلمه سبعمائه در آخر فرمان واضح و روشن خوانده میشود لیکن بعد از آن
 (ست و ثلثین و یا) ثمانیه و ثلثین نوشته شده و درست روشن نیست و بهر دو احتمال گمان میرود
 بالای فرمان بعد از جمله بسم الله (سلطان محمد بایقیندین) نوشته شده و محتمل است
 این جمله اصطلاح ترکی باشد یعنی از طرف سلطان محمد بایقیندین از فرمان سلطان محمد

از عبارات اینجمله چنین معلوم میشود که این فرمان کمی بعد از وفات سلطان ابوسعید پیدرخان از طرف جانشین وی سلطان محمد صادر شده است و این (سلطان محمد) از نبره زادگان منکو تیموریس هلاکوخان بود بعد از وفات سلطان ابوسعید و اقتراض کار آریخان و موس خان که هر کدام چند ماهی سلطنت کردند به مساعدت و همراهی امیر شیخ حسن بزرگ پسر سلطان اویس ایلکانی و حاجی طغای بن سونتای که نام هر دو در صدر فرمان ثبت شده و از امراء و رجال نافذ الحکم آن زمان بودند به جانشینی سلطان ابوسعید معین شد و در ذی الحجة ۷۳۶ در تبریز به تخت سلطنت ایلکانی جلوس کرد و سلطنت وی تا سال ۷۳۸ دوام داشته است .

دلیل براینکه این فرمان در زمان سلطان محمد خان صادر شده اینست که اولاً نام سلطان محمد در اول فرمان نوشته شده و ثانیاً نام شیخ حسن و حاجی طغای بن سونتای که از مسببین سلطنت سلطان محمد بودند نیز بشکل قطعی واضح و روشن در اول فرمان ثبت شده که فرمان را تصدیق و تأیید کرده اند دلیل دیگری نیز هست و آن نام (زکریا) است که در اول فرمان ثبت شده و بطور وضوح خواننده میشود و این (زکریا) همان خواجه محمد زکریا دخترزاده خواجه رشیدالدین فضل الله است که سمت وزارت سلطان محمد را داشت

بقراین احتمالات قوی تقریباً یقین حاصل میشود که این فرمان در زمان جانشینی سلطان محمد صادر شده است ولی تعجب در اینجا است که چرا با مهر سلطان ابوسعید ممهور شده است در اینصورت این احتمال را باید داد که سلطان محمد چون جانشین ابوسعید بوده احتراماً در فرامین مهر او را ثبت نمیکرده است و یا اینکه فرمان قبلاً در زمان سلطان ابوسعید نوشته و ممهور شده بود و بعداً در زمان سلطان محمد نیز تصدیق و تأیید شده است .

علامات

در بخش قرانها علامات زیر بکار رفته :

«	a = (زیر کوتاه)
خو = x	á = زیر میانه
ر = r	ä = (زیر کشیده)
ل = l	e = (زیر کوتاه)
م = m	è = زیر میانه (شبیه به ی مجهول)
ن = n	i = ای (زیر کشیده)
و = v	o = (پیش کوتاه)
ی = y	ö = پیش میانه (شبیه به و مجهول)
ك = k	ü = او (پیش کشیده)
ذ = th	ou = او (در کلمه جو)
ق = gh	ai = ای (در کلمه می و کی)
غ = 8	u = (بهمان صدا که در زبان فرانسه معمول است)
س = s (درهمه حال)	b = ب
پ = p	t = ت
f = ف	z = ز
گ = g	y = ی
د = d	z = ز
v = و	j = ج
ش = s	c = چ
	h = ه (ح)
	x = خ